



Adapting the elements of religious education as outlined in the document of fundamental evolution of education from the perspective of Ibn Sina

Ali Sohbato¹

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.63.3.0

Vol. 32
summer 2024
P.P: 61- 90

Research Paper

Receive Date: 05 June 2022
Revise Date: 02 June 2024
Accept Date: 06 July 2024
Publish Date: 22 August 2024

ISSN: 2251-6972
E- ISSN: 2645-5196



Abstract

The primary aim of this study was to compare religious education as viewed by Avicenna and the document of fundamental evolution of education, using Bardi's adaptive research method to address the research questions. The findings revealed that in Ibn Sina's philosophy, religious education involves studying the Qur'an and religious teachings, obeying God, and seeking self-knowledge, understanding God, the Creator, and the creation for happiness in this life and the afterlife. The research also found that the document of fundamental evolution of education aligns with Avicenna's views in some aspects, such as identifying values, educational goals, principles, stages, and dimensions. However, there are also differences, for example, the document of fundamental evolution of education relies on "reason and human nature and the "religious standard system to establish values, while Avicenna emphasizes the rule of thumb. Avicenna's approach to religious education incorporates intellectual, narrative, and intuitive methods, whereas the document of fundamental evolution of education emphasizes reasoning. In conclusion, the educational system should support individuals in developing their talents, fostering freedom, rational thinking, and moral development as pious and thoughtful individuals.

Keywords: Religious education; Ibn Sina, the document of fundamental evolution of education, educational system, students.

1. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Zanjan, Iran.
Email: Alisohbatlo@cfu.ac.ir .

Cite this Paper: Sohbato, A (2024). Adapting the elements of religious education as outlined in the document of fundamental evolution of education from the perspective of Ibn Sina, 32(63), 61–90.

Publisher: Imam Hussein University **Authors**
This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



موانئ مكونات التربية الدينية الحاكمة لوثيقة التحول الجذري للتعليم من وجهة نظر ابن سينا

على صحت لو^{ID}

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.63.3.0

رقم
٤٣المجلد ٣٢
الصيف ١٤٤٦

ورقة البحث

تاريخ الاستلام: ١٤٤٤/١١/٧
تاريخ القبول: ١٤٤٥/١١/٢٧
تاريخ المراجعة: ١٤٤٦/٠٢/٠٢
تاريخ النشر: ١٤٤٦/٠٢/١٨ISSN: 2251-6972
E- ISSN: 2645-5196

الملخص

الهدف الرئيسى لهذا البحث، هو إجراء دراسة مقارنة للتربية الدينية عند ابن سينا و وثيقة التحول الجذري للتعليم و التربية. و لتحقيق الهدف، تم استخدام منهج البحث التطبيقي للإجابة عن الأسئلة. و نتائج البحث هي؛ أن التربية الدينية في منظومة ابن سينا الفكرية تعنى تعلم القرآن و التعاليم الدينية و اتباع أمر الله لمعرفة النفس و الخالق و الخلق لنيل بسعادة الدنيا و الآخرة. و نتائج أخرى هي؛ في بعض الأجزاء، تتفق وثيقة التحول مع وجهة نظر ابن سينا، منها: اشتغال سماتها المشتركة مثل؛ مصادر تحديد القيم، الهدف من التربية، ومبادئها، مراحلها وأبعادها؛ لكن على الرغم من هذه القواسم المشتركة، هناك أيضا اختلافات. صحة القيم و معيارها في وثيقة التحول تكون من خلال «العقل والفضيلة الإنسانية» وبالرجوع إلى «نظام المعيار الديني»، لكن من وجهة نظر سينيوي فإن القاعدة «حد الأوسط» هي معيار لتحديد الفضائل والقيم. تعتمد طريقة التعليم الديني عند وثيقة التحول على أساليب عقلية، كلامية و شهودية مختلفة، لكن من وجهة نظر سينيوي فإن طريقة التعليم الديني تعتمد على العقل أكثرًا. تشير النتيجة العامة إلى أنه من خلال نقاط القواسم المشتركة والاختلاف، يبدو أن النظام التعليمي يجب أن يوفر الظروف التي تمكن الشخص المتعلم من تنمية مواهبه الكامنة، وأن يتمتع بالحرية والتمييز العقلاني، وأن يكون متدينا، مؤمنا و متفكرا.

الكلمات الرئيسية: التربية الدينية، ابن سينا، وثيقة التحول، نظام التعليم، التلاميذ

Email: Alisohbatio@cfu.ac.ir

١. المؤلف: أستاذ مساعد، قسم العلوم التربوية، جامعة فرهنگيان، زنجان، إيران.

اقتباس: صحت لو، على (١٤٠٣)، موانئ مكونات التربية الدينية الحاكمة لوثيقة التحول الجذري للتعليم من وجهة نظر ابن سينا، ٣٢(٤٣)، ٩٠-٦١:

DOR /https://dorl.net/dor 20.1001.1.22516972.1403.32.63.3.0

الناشر: جامعة الامام الحسين (ع)

© المؤلفون

هذه المقالة متاحة لك بموجب رخصة المشاع الإبداعي (Creative Commons License- CC BY)





شماره
۶۳

سال سی دوم
تابستان ۱۴۰۳
صص: ۹۰ - ۶۱

مقاله پژوهشی

I

تاریخ دریافت: ۱۵ خرداد ۱۴۰۱
تاریخ بازنگری: ۱۳ خرداد ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۱۶ تیر ۱۴۰۳
تاریخ انتشار: ۰۱ شهریور ۱۴۰۳

T

شاپا چاپی: ۶۹۷۲-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۱۹۶-۲۶۴۵



نشریه علمی پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی

تطبیق مؤلفه‌های تربیت دینی حاکم بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با دیدگاه ابن سینا

علی صحبت لو^(۱)

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.63.5.2

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، مطالعه تطبیقی تربیت‌دینی از منظر ابن‌سینا و سند تحول بنیادین بوده است و برای دست‌یابی به این هدف، از روش تحقیق تطبیقی بردی به منظور پاسخ به سؤالات پژوهش استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که تربیت‌دینی در منظومه فکری ابن‌سینا به معنای فراگیری قرآن و معارف‌دینی و عمل به فرمان‌الهی به‌منظور شناخت‌خود، خدا، خالق و خلق جهت سعادت‌دنیوی و اخروی است. نتایج دیگر پژوهش حاکی از آن است که سند تحول در بخش‌هایی با دیدگاه ابن‌سینا همخوانی دارد از اشتراکات آن‌ها می‌توان به مؤلفه‌هایی نظیر؛ منبع تعیین ارزش‌ها، هدف تربیت، اصول تربیت، مراحل تربیت و ابعاد تربیت اشاره کرد. اما با وجود چنین اشتراکاتی، تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. اعتبار و معیار ارزش‌ها در سند تحول از طریق عقل و فطرت انسانی و هم با مراجعه به «نظام معیاری» است اما، در دیدگاه سینوی قاعده‌ی حد وسط معیاری برای شناسایی فضایل و ارزش‌هاست. در سند تحول روش آموزش‌دین متکی بر روش‌های گوناگون عقلی، نقلی و شهودی ولی، در نگاه سینوی روش آموزش‌دین بیشتر مبتنی بر عقل است. نتیجه کلی حاکی است با توجه به نقاط اشتراک و افتراق، به نظر می‌رسد که نظام آموزشی باید شرایطی فراهم نماید تا فردی که تحت تعلیم و تربیت قرار می‌گیرد بتواند استعدادهای بالقوه خود را شکوفا ساخته و با دارا بودن آزادی و اختیار منطقی، فردی متدین، مؤمن، اندیشه‌ورز تربیت شود.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی؛ ابن‌سینا، سند تحول، نظام آموزشی، دانش‌آموزان.

Email: Alisohbatlo@cfu.ac.ir.

۱. استادیار، گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان زنجان، ایران.

استناد: صحبت لو، علی (۱۴۰۳)، تطبیق مؤلفه‌های تربیت دینی حاکم بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با دیدگاه ابن‌سینا، پژوهش در

مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۲(۶۳)، ۹۰-۶۱. DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516972.1403.32.63.3.0>

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) نویسندگان

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه

یکی از مسائل بسیار مهم انسان این است که بداند هدف‌غایی تربیت چیست؟ نهایت تربیت به کجا ختم می‌شود؟ مصداق کمال انسان چیست؟ هنگامی که دیدگاه متفکران اسلامی را مورد مطالعه قرار می‌دهیم متوجه می‌شویم که همه آن‌ها به نحوی به این پرسش پاسخ داده‌اند غایاتی چون؛ آزادی، عدالت، تقوا، قرب الی الله، طاعت و بندگی، تعاون، حیات طیبه، عمل صالح، انسان کامل و... معرفی می‌شوند (رستمی نسب، ۱۳۸۸).

یگانه رسالت پیامبران الهی که برگزیدگان خداوند از میان انسان‌ها و فرستادگان او به‌سوی ایشان بوده‌اند، همان تربیت دینی بشر بوده است. همه تلاش‌های ایشان در راستای این هدف بزرگ شکل گرفته و زندگی خود را به پای این مقصود فدا کرده‌اند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴). با توجه به ابعاد مختلف شخصیت انسان می‌توان از انواع تربیت سخن گفت. «تربیت دینی» به منزله یکی از مهم‌ترین انواع و بلکه مهم‌ترین نوع تربیت در برگیرنده همه نوع دیگر تربیت است (داودی، ۱۳۸۸).

تربیت دینی یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های تعلیم و تربیت در ایران است. این را می‌توان هم از بعد نظری با نگاه به اسناد تازه تألیف به‌منظور تحول نظام آموزشی دریافت و هم می‌توان در عرصه عمل، برنامه‌های آموزشی مدارس را از این منظر مشاهده کرد. در خارج از مدرسه هم به‌واسطه حضور گسترده و پررنگ در عرصه اجتماعی و حکومتی، همچنان و آموزش آن عنصر غالب در نظام ارزشی نهادهای جامعه است (وحدتی دانشمند و دیگران، ۱۳۹۸).

از آنجا که هدف تربیت دینی پرورش فرد دیندار است، ابتدا باید به معنای دین‌داری و تدین اشاره می‌شود. تدین به معنای دینی شدن یا دین‌داری انسان، مؤلفه‌های چهارگانه دارد که هرگاه این چهار مؤلفه به‌طور هم‌زمان در فرد متجلی شود، وی را دین‌دار می‌نامیم: مؤلفه اعتقادی-فکری؛ مؤلفه تجربه درونی؛ مؤلفه التزام درونی و مؤلفه عمل (باقری، ۱۳۸۴).

تربیت دینی، به‌منزله یک ترکیب می‌تواند بر دو معنا دلالت کند الف- تربیتی که منسوب به دین است؛ یعنی تربیتی که محتوای خود را از دین می‌گیرد، در مقابل تربیتی که محتوای خود را از

غیر دین می‌گیرد (تجربه، عقل و علم بشری). ب- تربیتی که برای دین است، یعنی تربیتی که در خدمت اهداف دین است، خواه محتوای آن از دین گرفته شده باشد یا نباشد (داودی، ۱۳۸۸).
در دایره المعارف بین‌المللی تربیت، تربیت‌دینی چنین تعریف شده است: تدریس منظم و برنامه‌ریزی شده که هدف آن، دستیابی فرد به اعتقاداتی درباره وجود خداوند، حقیقت جهان هستی و زندگی و ارتباط انسان با پروردگارش و دیگر انسان‌هایی که در جامعه با آنها زندگی می‌کند و بلکه با همه آحاد بشر است (اسماعیل علی، ۱۳۸۰).

حداد عادل (۱۳۸۳) معتقد است تربیت‌دینی بنا بر جهان‌بینی اسلامی تربیتی است که رفتار فرد را در برابر خدا، جامعه، خود او و طبیعت بر معیارهای دینی منطبق سازد و بر اساس قواعد دینی تنظیم کند.

صادق‌زاده (۱۳۸۰) نیز بر این معتقد است که مقصود از تربیت دینی، هرگونه فعالیت هدفمندی است که به منظور ایجاد شناخت و باور به معرف دینی و تقویت آن، گرایش به ارزش‌ها و هنجارهای دینی و الزام عملی به احکام و دستورهای دینی مطرح شود و در مجموع زمینه‌ساز تکوین هویت دینی و رشد متعادل دین‌داری در مرتبه‌ها گردد.

به زعم نوذری (۱۴۰۰) تحول دین‌داری عبارت است از: تحقق تدریجی شناخت خداوند به عنوان رب یگانه، محبت به او، فرمانبرداری از او و ساخت سبک زندگی دینی به‌طور کلی در طول تاریخ، تربیت دینی با توجه به سه منبع شناخت استوار گشته است. این سه منبع عبارت بوده‌اند: عادت، عقلانیت و شهود. در هر دوره‌ای از تاریخ نظام‌های تعلیم و تربیت به اقتضای اهداف خاصی که پی‌جویی می‌کردند، یکی از منابع را برای تربیت دینی در نظر گرفته فقط آن را روا می‌دانستند.

الف- رویکرد مبتنی بر عادت: در این رویکرد، عادت آموزشی نقش بسزای در شکل‌گیری رفتار دینی دارد. انجام دادن کارها به شکل مکانیکی به شیوه‌ای که اندیشه در آنها چندان دخیل نباشد، عادت نام دارد. مسیحیت در قرون میانه نمونه‌ای از تربیت‌دینی مبتنی بر عادت است که نقش عقل در آن بسیار ناچیز است به طوری که ایمان را به صلیب آویختگی عقل معرفی می‌کردند. تلقین و تحمیل از ارکان آموزش و تربیت دینی بود (سجادی، ۱۳۸۴).

ب- رویکرد مبتنی بر عقلانیت: در این رویکرد، بر عقل و معرفت عقلانی تأکید بسیار می‌شود و دین‌داری با محک عقل سنجیده می‌شود تا جایی که دین باید در ظرف عقل بگنجد و از صافی آن بگذرد. فرد دین‌دار برای انجام دادن مناسک خویش پشتوانه عقلی و معرفتی دارد و انگیزه درونی، او را به انجام مناسک سوق می‌دهد. در این رویکرد افراد ضمن آشنایی با دین خاص، ضمن حفظ استقلال خویش، می‌کوشند به آن التزام یابند، زیرا هر نوع التزام به دین و ثبات آن لزوماً به معنی تلقین یا غیرعقلانی بودن آن نیست (همان: ۴۱-۴۲).

ج- رویکرد شهودی: بعضی جوهره دین‌داری را تجربه امر قدسی می‌دانند این تجربه را فراتر از امر نظری و عقلانی فرض می‌کنند که قابل تبدیل به پاره‌ای تصورات یا گزاره‌های نظری نیست. در آثار تمام عارفان از خراسان تا بغداد به روشنی قابل مشاهده است (همان: ۴۵). به‌طور مثال، شیخ محمود شبستری در گلشن راز، سالک را در دو گام خلاصه می‌کند که موجب معرفت شهودی حق تعالی و نهایتاً التزام عملی در فرد می‌گردد. همچنین شهاب‌الدین یحیی سهروردی (شیخ اشراق) در کتاب حکمت الاشراق نیز در باب معرفت شهودی سخن گفته و شرط لازم برای ادراک راستی کتاب حکمت الاشراق را پالودن دل از پلیدی‌ها در مدت چهل روز می‌پندارند و این عقیده را به‌صراحت در مقدمه کتاب خویش تقریر کرده است (شریف‌زاده و دیگران، ۱۳۹۵). از میان این سه رویکرد مذکور، دو رویکرد مبتنی بر عقلانیت و شهودی، با مفهوم تربیت مناسبت بیشتری دارد و رویکرد مبتنی بر عادت با شبه‌تربیت نسبت دارد؛ زیرا در رویکردهای عقلانیت و شهودی آن‌گونه آزادی و طرح که شایسته مقام انسانی است مورد ملاحظه است، ولی در رویکرد مبتنی بر عادت تربی محدود در اراده مریی بوده و فراتر از آنچه او برایش تدبیر کرده، نمی‌رود (همان: ۱۵).

همچنین در تلاش دیگر، بهشتی (۱۳۸۸) از دو رویکرد دیگر در تربیت دینی سخن گفته است؛ یکی رویکرد درون دینی که ناظر به مجموعه‌ای از تحلیل‌های عقلانی و نظری در باب تربیت دینی است، رویکرد دوم برون دینی هست و مفهوم آن این است اگر تحلیل‌ها در چارچوب آموزه‌های دین خاصی صورت پذیرد و به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند باشد، رویکردی درون دینی به تربیت دینی پدید می‌آید.

پس منظور از تربیت دینی، فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای رشد و پرورش ایمان آگاهانه به آموزه‌های اساسی دین و عمل به مقتضای آن‌هاست. به عبارت دیگر، در تربیت دینی هدف رشد و پرورش انسان دیندار است.

افراد زیادی از میان اندیشمندان و فلاسفه اسلامی به مسئله «تربیت دینی» پرداخته‌اند، ولی بررسی همه آن‌ها زمانی طولانی را می‌طلبد. از این رو، در این پژوهش به صورت نمونه از میان فیلسوفان اسلامی اندیشه‌های ابن سینا مورد مطالعه قرار گرفته است.

ابن سینا تنها مربی- فیلسوف ایرانی باشهرت جهانی است که تربیت را به صورت جامع‌تر نگریسته است. در جهان اسلام وی اولین فیلسوفی بوده که درباره تربیت به عنوان موضوع مستقل اظهار نظر کرده است (زیباکلام، ۱۳۸۴؛ صدیق، ۱۳۵۴؛ راوندی، ۱۳۶۷). او مهم‌ترین فیلسوفی است که تمام هم خود را به فلسفی کردن دین اسلام معطوف کرد (زیباکلام مفرد، ۱۳۸۴). او برجسته‌ترین نماینده فلسفه مشایی است، دامنه فعالیت او بس گسترده و تأثیرش از همه فیلسوفان مسلمان بیشتر است (نقیب‌زاده، ۱۳۸۳).

شاخص ممیز تئوری ابن سینا در تربیت در مقایسه با دیگر فلاسفه مسلمان ورود مستقیم و مستقل در مباحث تربیت است. او، با تدوین رساله تدابیرالمنازل- علاوه بر آنچه در کتاب‌های شفاء، قانون و الاشارات والتنبیها در این خصوص بیان کرده است- وارد جزئیات مسائلی تربیتی شده است، به بحث درباره مراحل رشد کودک و اصول و روش‌های تربیتی پرداخته است (جمععی از نویسندگان، ۱۳۸۴).

همچنین تحقیقات انجام شده توسط فیلسوفان تعلیم و تربیت معاصر در ارتباط با نگاه ابن سینا به انسان نشان می‌دهد که او تمرکز بر تربیت و مؤلفه‌های آن داشته که نگاه محققان را به سوی خود جلب کرده است. بیرونی کاشانی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی به تبیین عناصر فلسفه اخلاقی- اجتماعی ابن سینا و دلالت‌های آن در تربیت اخلاقی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. حقی (۱۳۸۷) طی مطالعه‌ای به مقایسه دیدگاه فلسفی ابن سینا و عرفانی مولانا و علمی داروین در ارتباط با انسان‌شناسی پرداخته است. تحقیقی با عنوان بررسی تطبیقی دیدگاه‌های فارابی، ابن سینا، غزالی، لاک، روسو و دیویی در مورد تعلیم و تربیت و ارکان آن توسط کاکیا (۱۳۸۶) انجام شده است. در پژوهش قربانی (۱۳۸۶) اهداف و روش‌های تعلیم و تربیت از دیدگاه ارسطو و ابن سینا مورد مقایسه

قرار گرفته است. در پژوهش دیگر، ترک (۱۳۸۶) به بررسی اندیشه‌های تربیتی ابن سینا پرداخته است.

از سوی دیگر، در طول ۵ سال اخیر پژوهش‌هایی در ارتباط با مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی و با رویکردهای توصیفی، تطبیقی و انتقادی انجام شده است. در همین راستا، پژوهشی توسط دهقانی، واعظی، گلستانی و سعادت‌مند (۱۴۰۰) با عنوان تطبیق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی با اندیشه‌های تربیتی خواجه نصیرالدین طوسی انجام گرفته است. در مطالعه دیگری، صادق‌زاده و رضانی (۱۳۹۴) به بررسی تطبیقی اهداف تربیتی از دیدگاه برزینکا و مبانی سند تحول بنیادین نظام تربیت جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. پژوهشی با عنوان نگاهی تطبیقی به مضامین تعلیم و تربیت آینده‌گرا و مولفه‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران توسط تقوی‌نسب و کریمی (۱۳۹۷) انجام شده است. مطالعه دیگری، توسط مرزوقی، عقیلی و مهرورز (۱۳۹۵) با عنوان تحلیل و نقد نظری و روش‌شناختی اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته است. در پژوهش دیگر، صمدی (۱۴۰۰) به تبیین چالش‌های اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر اساس روش فراترکیب پرداخته است. همین‌طور در پژوهشی دیگر، فرمینی‌فراهانی، حسینی و احمدآبادی آرانی (۱۳۹۸) به بررسی جایگاه حیات طیبه در سند تحول بنیادین و تبیین راهکارهای تحقق آن در آموزش و پرورش پرداخته‌اند. مطالعات انجام شده توسط پژوهشگران نشان از عدم وجود مطالعه تطبیق مؤلفه‌های تربیت دینی حاکم بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با دیدگاه ابن سینا دارد.

پژوهش‌های انجام شده در عین لزوم، کافی نیستند. هنوز ابعاد مهمی از جهت‌گیری ابن سینا در مورد مباحث مربوط به تربیت نیازمند مطالعه و بررسی است. در این پژوهش، برای نخستین بار تربیت دینی و مؤلفه‌های اصلی آن در نظام فکری ابن سینا و سند تحول، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. پس از انقلاب اسلامی، با حاکم شدن گفتمان اسلامی سازی، بر انضباط اجتماعی، وحدت، یکسان‌سازی فرهنگی، هم‌نوایی فکری و اجتماعی در قالب هویت سراسر تأکید گردید و در این راستا اقدامات متعددی چه به صورت کلان و چه به شکل سیاست‌های خردآموزشی صورت گرفت؛ تشکیل شورای تدوین کتاب‌های تعلیمات دینی مدارس، تشکیل شورای

اسلامی سازی مدارس، اسلامی سازی در سطح آموزش عالی از طریق شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای هماهنگی تشکلهای دانشجویی و دانش آموزی و تصویب طرح سند تحول بنیادین از جمله این اقدامات است (نیک نشان و دیگران، ۱۳۹۵).

سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش، به مثابه نقشه راهی برای تحقق ارزشها و آرمانهای متعالی انقلاب اسلامی مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیش رو در میان ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان و تحقق بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی تعبیر شده است (سند تحول، ۱۳۹۰).

مهم‌ترین سندی که بیانگر اهداف کلی نظام آموزشی بوده و مبانی، اصول، روش‌ها، مراحل تربیت در آن بیان شده، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است که توسط شورای عالی آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۰ به تصویب رسیده است.

بررسیهای به عمل آمده در زمینه آموزش دینی و کیفیت آن، حاکی از آن است که وضع موجود در نظام آموزشی از جهات مختلف و به علت‌های گوناگون، رضایتبخش نیست. چنانکه در پژوهش‌های صورت گرفته، فراگیران نسبت به تربیت دینی احساس دلزدگی نشان داده‌اند (نیک‌نشان، پاک‌سرشت و لیاقت‌دار، ۱۳۹۵؛ رحمان‌پور، میرشاه جعفری، ۱۳۹۵؛ یوسفیان‌اهری، عظیمی و رنج‌دوست، ۱۳۹۹ و عباسی، ۱۴۰۰). تجربیات موجود و پژوهش‌های انجام شده در سند تحول، نشانگر آن است که مسئله آموزش تربیت دینی از وضعیت خوبی برخوردار نیست.

به نظر می‌رسد به کارگیری آرائی تربیتی ابن‌سینا در نظام آموزشی ایران می‌تواند مکمل و تقویت‌کننده سند تحول باشد؛ زیرا بهره‌مندی از آراء تربیتی مریبان و فیلسوفانی نظیر ابن‌سینا در نظام تربیتی ما، مسیر ترقی و تعالی جامعه تعلیم و تربیت را فراهم خواهد کرد. بررسی دیدگاه سینوی می‌تواند امکانات تازه‌ای را برای مواجهه با مسائل تربیتی در دوران معاصر پیش روی پژوهشگران و مجریان نظام آموزشی قرار دهد.

آنچه توجه محقق را به خود جلب نموده، این واقعیت است که در اندیشه سینوی ایده‌های بسیار خوبی در حوزه تربیت دینی قابل استنتاج بوده تا براساس آن به تجویزاتی برای سند تحول در حوزه تربیت دینی ارائه شود. ابن‌سینا به‌عنوان یک فیلسوف-مربی مسلمان ویژگی‌ها و معیارهایی را برای تربیت و به دنبال آن تربیت دینی عرضه کرده است. نگاه ما به گذشته برای بهبود وضعیت

امروزی استفاده می‌شود. نگاه قدما-ابن سینا- ظرفیت‌های جدیدی را در حوزه تربیت دینی می‌گشاید. مراجعه به سنت و تبیین آن-دیدگاه سینوی- جهت ترمیم سند تحول بنیادین صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، آراء ابن سینا می‌تواند در بازنگری سند مورد استفاده قرار گیرد، ابن سینا این نظر خوب را در تربیت دارد، اما دست اندرکاران سند از آن غافل بوده‌اند. رویکرد ما در این پژوهش، رویکرد ایجابی است. و دغدغه اصلی این پژوهش کمک به برطرف شدن ایرادات سند تحول به ویژه در تربیت دینی است تا ماحصل تربیت دینی که هویتی دینی است، تحقق پیدا کند. همین طور، ارزیابی پیشینه صورت گرفته نشان از آن دارد که هیچ یک از پژوهش‌های صورت گرفته، ناظر به بررسی تربیت دینی در سند تحول نبوده است، با توجه به اهمیت سند تحول و محوریت آن در نظام آموزشی، بررسی آن از اهمیت و ضرورت برخوردار است. بر این اساس، پرسش‌های اساسی این است که اول اینکه تربیت دینی در طرح کلیات سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، به عنوان مهمترین سند تربیت رسمی و عمومی، چگونه است؟ دوم اینکه تربیت دینی در منظومه فکری ابن سینا، چگونه ترسیم شده است؟ سوم اینکه نقاط اشتراک و افتراق هر دو دیدگاه در مورد تربیت دینی کدام است؟

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، برای دستیابی به هدف، از روش تطبیقی به منظور پاسخ به سؤالات پژوهش استفاده شده است. مطالعه تطبیقی به دنبال شناخت یک پدیده یا دیدگاه در پرتو مقایسه (توصیف و تبیین مواضع خلاف و وفاق) است (قراملکی، ۱۳۸۵). مقایسه می‌تواند به ما کمک کند تا بهتر بشناسیم، بهتر انتخاب کنیم و بینش خود را توسعه ببخشیم (میرزامحمدی، ۱۳۸۷). در این زمینه از مدل بردی در چهار مرحله توصیف، تفسیر، همجواری و مقایسه استفاده شده است (آقازاده، ۱۳۸۱). بر این اساس، درپاسخ به سؤال اول و دوم پژوهش، از روش توصیفی و تحلیلی استفاده نموده و دیدگاه سند تحول و ابن سینا در خصوص مؤلفه‌های تربیت دینی، توصیف و تبیین شده است. در پاسخ به سؤال سوم پژوهش، استخراج وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه سند تحول و ابن سینا در خصوص مؤلفه‌های تربیت دینی از روش تحلیل تطبیقی استفاده شده است. لذا، به منظور استخراج مشترکات و تمایزها و برای پاسخ به سؤال‌ها، استفاده از سند تحول (۱۳۹۰) و

آثار ابن سینا (منابع دست اول) منطقی ترین راه است. بدین ترتیب، جامعه آماری این پژوهش، منابع دست اول آثاری از ابن سینا (الاشارات و تنبیهات (جلد ۱ و ۲)، تدبیر منزل، مجموعه رسائل، التعليقات، الهیات، شفا، نجات، قانون (جلد ۱)، و منابع دست دوم (پایان نامه‌ها، طرح‌های پژوهشی، کتاب‌ها و مقالات) و همچنین سند تحول بنیادین «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران» می‌باشد که به وسیله شورای عالی آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۰ به تصویب رسیده است. نمونه گیری به شیوه هدفمند انجام شده و بر این اساس ابتدا منابع دست اول انتخاب و سپس سایر منابع مرتبط با موضوع، مورد نظر قرار گرفته و از آن‌ها استفاده شده است. ابزار پژوهش نیز فیش برداری می‌باشد که یافته‌های حاصل از تحقیق را به صورت کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

یافته‌های پژوهش

الف- تربیت دینی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی

در سند تحول بنیادین جمهوری اسلامی ایران ادعا شده که مبانی انسان‌شناختی از تعالیم اسلامی و یا از مباحث مربوط به تربیت انسان در فلسفه اسلامی (علم النفس فلسفی) استخراج شده است. (سند تحول، ۱۳۹۰). اهم این مبانی عبارت‌اند از: «انسان موجودی است مرکب از جسم و روح، انسان فطرتی الهی دارد. انسان‌ها در نظام آفرینش از کرامت الهی برخوردار هستند. انسان موجودی صاحب‌اختیار در تعیین سرنوشت خویش است. وجود انسان همواره در حال شدن، حرکت و دگرگونی است. انسان موجودی اجتماعی است. هویت انسان، برآیند نوع ارتباط او با «خویشتن، خدا، خلق و خلقت» است. عناصر اصلی شکل‌دهی هویت انسان «تفکر و تعقل، ایمان و باور، علم و معرفت، اخلاق و عمل مداوم» می‌باشند (سند تحول، ۱۳۹۰: ۷۷-۵۷).

گزاره‌های ارزشی مندرج در بیانیه ارزش‌ها، بایدها و نبایدهایی اساسی است که لازم است تمام اجزا و مؤلفه‌های نظام تربیت رسمی و عمومی هماهنگ با آن‌ها بوده و همه سیاست‌گذاران و کارگزاران نظام ملتزم و پای بند به آن‌ها باشند.

این گزاره‌های ارزشی «با الهام از آموزه‌های قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و

سند چشم‌انداز بیست‌ساله تهیه و تدوین شده است و با مبانی نظری سند تحول (شامل فلسفه تربیت، فلسفه تربیت رسمی و عمومی و رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران) سازگار و مستند به مضامین مندرج در آن‌ها است» (سند تحول، ۱۳۹۰: ۱۵).

گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت در سند تحول بنیادین

نظام تربیت رسمی و عمومی بر ارزش‌های زیر استوار است: «۱- جریان تربیت در تمام ساحت‌های شش‌گانه تربیت (شامل تربیت دینی و اخلاقی، تربیت سیاسی و اجتماعی، تربیت زیستی و بدنی، تربیت هنری و زیبانشناختی، تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، تربیت علمی و فناوری) بر نظام معیار اسلامی (مبانی و ارزش‌های برگرفته از قرآن و سنت معصومین (ع) و یا سازگار با آن‌ها) منطبق است و تربیت دینی و اخلاقی در آن محوریت دارد. ۲- بر نقش تربیتی و هدایتی و اسوه‌ای پیامبر اکرم (ص) و حضرات معصومین (ع) و بر ولایت مداری برای تحقق جامعه عدل جهانی (جامعه مهدوی) تأکید می‌کند. ۳- بر کرامت و ارزش والای انسان با تأکید بر تقوا، خودباوری، روحیه مجاهدت، آزاداندیشی، آزادمنشی و رعایت صداقت و انصاف ارج گذاشته می‌شود. ۴- بر سه اصل تهذیب، تحصیل و ورزش به‌طور متوازن تأکید می‌نماید. ۵- مدرسه کانون تربیت رسمی و عمومی و محل کسب فرصت‌های تربیتی برای دستیابی به مرتبه قابل قبولی از حیات طیبه و تشکیل جامعه سالم اسلامی است» (سند تحول، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۵).

نگاهی به گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت در سند تحول بنیادین از حیث توجه به تربیت دینی، حائز اهمیت است. در اینجا به تعدادی از گزاره‌های ارزشی این سند که مرتبط با تربیت دینی هستند، اشاره می‌گردد این گزاره‌ها عبارت‌اند از: گزاره (۱) ضرورت توجه به آموزه‌های قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهنمودهای رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (سند تحول راهبردی، ۱۳۸۹: ۱۵)؛ گزاره (۲) تعمیق معرفت و بصیرت دینی و سیاسی؛ گزاره (۳) التزام به ارزش‌های اخلاقی؛ گزاره (۴) وفاداری نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران؛ گزاره (۵) اعتقاد به اصل ولایت فقیه و مردم‌سالاری دینی؛ گزاره (۶) رعایت حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی؛ گزاره (۷) ارتقای آداب و مهارت‌های زندگی، بهداشتی و زیست‌محیطی؛ گزاره (۸) توجه به مقولاتی نظیر توازن و اعتدال در

ابعاد مختلف، تأسی به اولیای الهی و تولا و اطاعت از آن‌ها و دشمنی با دشمنان راه خدا و اولیای خداوند، رأفت، احسان، گذشت و بخشش (سند تحول، ۱۳۹۰: ۱۰۹-۸۶)؛ گزاره (۹) شناخت از آموزه‌های دین اسلام و باور به معارف دینی؛ گزاره (۱۰) ارتقای رفتارهای فردی و اجتماعی مبتنی بر موازین دینی؛ گزاره (۱۱) افزایش پایبندی به واجبات و پرهیز از محرّمات دینی؛ گزاره (۱۲) افزایش التزام به فضائل اخلاقی مانند نظم و وقت‌شناسی، صداقت و راست‌گویی، میانه‌روی و اعتدال، امانت‌داری، ایثار و گذشت، رازداری، عفت، حیا و انصاف (سند تحول: ۱۳۹۰).

هدف تربیت از منظر سند تحول

مرور سند تحول نشان داد که نتیجه فرایند تربیت، آماده شدن افراد جامعه برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، در مسیر قرب الی الله است (سند تحول، ۱۳۹۰). پس هدف کلی تربیت دینی یعنی آمادگی فردی و جمعی متریان (نظیر تعقل، معرفت، ایمان، اراده و تقوا) برای تحقق حیات طیبه در همه ابعاد و مراتب خواهد بود.

از طرف دیگر، در نظام آموزشی ایران نیز توجه به تربیت دینی و اخلاقی فراگیران به منظور اخلاقی کردن جامعه و پرورش فضایل و نیکی‌ها در اجتماع، از جمله اهداف مهم دیگر آموزش و پرورش واز آن فراتر، جامعه اسلامی محسوب می‌شود (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۸).

در سند تحول بنیادین (۱۳۹۰) بر تربیت فراگیر در ساحت‌های دینی و اخلاقی، زیستی و بدنی، اجتماعی و سیاسی، اقتصادی و حرفه‌ای، علمی و فن‌آوری و هنری و زیبایی شناختی به عنوان اهداف واسطی (میانی) تأکید شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود تربیت دینی و اخلاقی به‌عنوان اولین و مهم‌ترین گام بیان شده است.

عوامل مؤثر در تربیت

عوامل مؤثر در تربیت دینی، با مشارکت و تعامل سازنده با یکدیگر و دادن سمت و سوی تربیتی به فعالیت‌های خود، به پشتیبانی و حمایت همه جانبه از عوامل سهیم در تربیت خواهد آمد. این عوامل و نهادها شامل «خانواده، سیاست، دین، فرهنگ، رسانه، جامعه محلی، مدنی و اقتصادی، تأمین خدمات عمومی و رفاه اجتماعی و سلامت و تندرستی است» (سند تحول، ۱۳۹۰: ۱۷۰-۱۷۱).

ارکان تربیت

در سند تحول ارکان فرآیند تربیت دینی به ترتیب «خانواده، حکومت (دولت)، رسانه و نهادها و سازمان‌های غیر دولتی» ذکر شده است (همان: ۱۸۳-۱۷۴). در سند تحول به صراحت بیان شده که «حکومت اسلامی، دولت زمینه‌ی ساز حیات طیبه است، دولت اسلامی زمینه‌ی ساز حرکت عموم مردم در جهت تحقق حیات طیبه است». سند نقش دولت را در تربیت دینی پررنگ نشان داده است. هر چند به نقش خانواده اشاره شده است، اما در این میان دولت محوری در تربیت دینی موج می‌زند.

اصول تربیت

در سند تحول اصول تربیت دینی شامل؛ «توجه به نظام معیار اسلامی، اولویت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تدریجی بودن تربیت و مراتبی بودن آن، عقل ورزی، اعتدال، عدالت تربیتی، یکپارچگی و انسجام، تعامل همه جانبه، مشارکت و هماهنگی و...» است (سند تحول، ۱۳۹۰: ۱۸۳-۱۹۲). شناخت هر یک از این اصول تربیتی برای مرییان و دیگر دست‌اندرکاران فعالیت‌های تربیتی در تربیت دینی ضرورت دارد. همه این اصول بر کل جریان تربیت سایه خواهد افکند. مرور سند تحول نشان داد غایت نظام تربیتی در کشور (با الهام از ارزش‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی) پرورش عبد صالح بیان شده است؛ و منابع اصلی و اساسی برای شناسایی انسان مطلوب مجموعه آیات و روایات (متون دینی) ذکر شده است. می‌توان گفت که در سند تحول (۱۳۹۰) تربیت دینی به معنی یک بعد از ابعاد تربیتی و در کنار ابعاد دیگر مدنظر نیست، بلکه همچون چتری گسترده بر سایر ابعاد، روح تربیت را در برمی‌گیرد. به جای تعبیر رایج «تربیت دینی» از تعبیر مرکب «تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی» استفاده شده است که ناظر به آماده‌سازی فردی و جمعی متربیان در مسیر تحقق شأن «دینی و اخلاقی» حیات طیبه است (سند تحول راهبردی، ۱۳۸۹).

در سند تحول بنیادین «تربیت دینی» در معنای عام (نه در معنای خاص) مورد توجه قرار گرفته است. تربیتی که چهارچوب بنیادی و اصولی آن بر اساس دین و آموزه‌های دینی استوار است. در

واقع این شکل از تربیت دینی در مقابل تربیت سکولار قرار می‌گیرد و همه ابعاد تربیت را بر اساس نظام معیار دینی شامل می‌شود (سند تحول، ۱۳۹۰).

در مجموع، با نگاهی به گزاره‌های ارزشی فوق در مورد تربیت دینی در سند تحول می‌توان دریافت که هدف غایی نظام تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران دست‌یابی فراگیر به مراتبی از قرب الی الله، خلافت الهی، عبودیت خدا و حیات طیبه است. ملاک و معیار تربیت یافتگی نیز دست‌یابی فرد به ساحت‌های شش‌گانه است.

در سند تحول تبلور روح دینی از دو طریق صورت می‌پذیرد: یکی به صورت مستقیم؛ مراجعه به منابع دینی و دومی به صورت غیرمستقیم؛ رجوع به سایر منابع اطلاعاتی و مجموعه آیات و روایات (متون دینی) است. تربیت دینی و اخلاقی ناظر به رشد جنبه معنوی و ارزش زندگی، برقراری ارتباط با حق متعال، التزام به ارزش‌های دینی و اخلاقی و تقید به اعمال و معیارهای دینی و اخلاقی در زندگی روزمره است.

ب- تربیت دینی از منظر ابن سینا

مرور مبانی انسان‌شناختی ابن سینا نشان داد که او به تجرد و اصالت روح، بقای آن پس از مرگ، رابطه متقابل جسم و جان، دریافت فیض از عقل فعال عالم قدس، سلسله‌مراتب هستی و تقسیم قوای انسان معتقد است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴). ابن سینا می‌کوشد که وجود خدا را به دلایل گوناگون اثبات کند که بعضی از این دلایل را از ارسطو (برهان علت فاعلی و علت غایی) اقتباس کرده و بعضی دیگر را از فارابی (واجب و ممکن) گرفته است (حلی، ۱۳۷۳: ۱۹۱). بوعلی در نمط نهم و دهم کتاب ارزشمند «اشارات» فلسفه را به عرفان پیوند می‌زند و دیدگاه‌های فلسفی در باب هدف، لذت و سعادت را تلطیف کرده و به اتصال به عالم قدس و مقامات عارفان نزدیک می‌سازد و ارزش شایان توجهی را برای اهداف عرفانی قائل می‌شود (الاشارات و التنبیها، ترجمه ملک‌شاهی، ۱۳۹۰). با بررسی اندیشه‌های ابن سینا در نمط نهم کتاب اشارات می‌توان گفت: «لذت معنوی ارتباط با خدا و عبودیت در برابر او، دارای یک منشأ ذاتی است» (غروی، ۱۳۸۸).

در نظام فکری ابن سینا انسان تربیت‌شده انسانی است که از راه تربیت به روشن‌فکری و شکوفایی عقلی به نحوی دست می‌یابد که برای همیشه در وی ماندگار است و تربیت به مقصد تمام

ابعاد وجودی انسان است (زیباکلام و حیدری، ۱۳۸۷)؛ به عبارت دیگر انسان تربیت یافته او کسی است که در راستای فراگیری علم و دانش به صفات ممتاز اخلاقی و روحی نیز نائل شود و در تمام ابعاد رشد کند.

تربیت از منظر ابن سینا

آرای ابن سینا درباره تربیت و تأدیب را می‌توان در سه کتاب او مشاهده کرد: نخست، رساله تدابیر المنازل و السياسات الاهله (رساله فی السیاسه) که در آن از وظایف مرد نسبت به خود، همسر، فرزند و خدمتکاران بحث شده است؛ دیگری کتاب قانون (فصل سوم از جلد اول) بهداشت کودکان و تربیت بدنی و بهداشت اشاره شده (بادکوبه هزاره، ۱۳۸۳)؛ سوم کتاب شفا که فصلی درباره انواع تربیت آورده است (عطاران، ۱۳۸۲)؛ چهارم در کتاب الاشارات نکاتی در باب مسائل تربیتی و اخلاقی در حوزه فردی و اجتماعی وجود دارد و پنجم در برخی آثار ادبی ابن سینا که به زبان رمز و اشاره است، مطالب زیادی در باب مسائل اخلاقی و تربیتی یافت می‌شود مانند قصیده عینیه، قصه حی بن یقظان و قصه سلامان و ابدال (بادکوبه هزاره، ۱۳۸۳).

تربیت دینی در دیدگاه سینوی با تعبیرها و تعریف‌های مختلف بیان شده است. او، در عین حال که عنوان مباحث تربیتی خود را «سیاسه الرجل ولده» قرار داده، در متن بحث از واژه تأدیب برای بیان تربیت کودک و در یک مورد هم واژه ریاضت استفاده کرده است (رساله السیاسه، ۱۳۷۹).

هدف تربیت

تربیت دینی بدون توجه به قرآن و آموزه‌های دینی صورت نمی‌گیرد. در واقع تربیت دینی همان تربیت قرآنی که ابن سینا به آن تأکید می‌کند. وی هدف غایی در تربیت انسان را پاک کردن نفس از اخلاق بد به وسیله عبادت الهی، کسب علوم و معارف و قرار گرفتن انسان در سعادت راحت مطلق بدون رنج و الم می‌داند (رساله اضحویه، ۱۳۵۰).

ابن سینا با تأسی از قرآن و آموزه‌های دینی مؤلفه‌ها و عناصری را به صورت مستقیم و غیرمستقیم در رابطه با تربیت دینی بیان کرده‌اند. با توجه به بررسی اندیشه‌های ابن سینا می‌توان گفت که تربیت دینی محتوای خود را از دین می‌گیرد.

عمده اندیشه‌های سینوی از متون اسلامی (قرآن، سخنان پیامبر اکرم (ص)، ائمه اطهار (ع) و نیز سیره رفتاری آنان و شریعت اسلامی) اقتباس شده است و مبانی فکری و فلسفی ایشان را تشکیل می‌دهند. او یک فیلسوف مسلمان بوده و اسلامی می‌اندیشید و تصویری که از دین ارائه می‌دهد اسلامی-ایرانی است.

هر وقت که برای ابن سینا در حل مسائل علمی و فلسفی دشواری پیش می‌آمد، به مسجدی روی می‌آورد و به نماز خواندن و دعا کردن می‌پرداخت و چندین رساله در فواید نماز و انجام فرایض روزانه و زیارت قبر اولیا و نظایر این‌ها نوشته است (نصر، ۱۳۹۲).

ابن سینا رسیدن به سعادت را منوط به کمک گرفتن از وحی الهی می‌داند. او می‌گوید:

«نیاز به پیامبر برای بقای نوع انسان و تحصیل کمالات وجودی، بسیار بیش از نیاز به رویاندن مو بر ابروان و مقعر کردن کف پا و منافع دیگر است که برای بقای انسان ضروری نیستند» (فروغی، ۱۳۷۵: ۱۱۷-۱۱۳).

وی بحث خود، در مورد تربیت فرزند را با حقوق فرزند که بر ذمه پدرش است این‌گونه شروع می‌کند:

«از جمله حقوق فرزند در ذمه پدرش این است که وی را به نام نیکو بنامد. سپس دایه خوبی برای او انتخاب کند. او را با اخلاق نیکو و صفات پسندیده و عادات ستوده روبرو و مواجه ساخت و وجودش را به آن‌ها بیاراست. باید بچه‌ها را از کارهای بد دور و از عاداتی که عیب شمرده می‌شود برکنار نمود» (تدبیر منزل: ۴۰).

محتوای آموزشی

ابن سینا موضوعات آموزشی در تربیت دینی را شامل موارد زیر می‌داند؛
« ۱- در مرتبه اول باید قرآن را بیاموزند و نشانه‌های دین را به او تلقین کنند ۲- اصول و قواعد زبان را تعلیم نمایند ۳- آموزش هنر و صنعت و اصول و قواعد آن رشته برای به دست آوردن مال و وسیله معیشت» (تدبیر منزل: ۴۸).

مراحل تربیت

او مراحل تربیتی دینی کودک را شامل پنج مرحله می‌داند؛

«مرحله اول، پس از بازگیری از شیر مادر (تأدیب و بهسازی اخلاق کودک) مرحله دوم، از حدود شش سالگی (تعلیم قرآن و معارف دینی) مرحله سوم، پس از آموزش‌های ابتدایی (انتخاب حرفه و شغل متناسب با استعدادهای فراگیر) مرحله چهارم، پرداختن به کار و اشتغال (امرار و معاش و کسب روزی حلال) مرحله پنجم، تشکیل خانواده (ازدواج)» (تدبیر منزل: ۴۲-۳۵).

اصول تربیت

وی پنج اصل را در تعلیم و تربیت مهم می‌داند: «ایمان، اخلاق خوب، تندرستی، سواد، هنر و پیشه؛ طفل را باید از شش سالگی به مکتب فرستاد، در ضمن تحصیل از ورزش که برای سلامت بدن لازم است و پیشه و هنر که برای امرارمعاش لازم است؛ نباید غفلت کرد، باید به روش تربیت طفل آشنا باشد، و استعدادها و قریحه طفل را درک کند، و ذوق او را در انتخاب و آموختن هنر و پیشه رعایت نماید» (دائرةالمعارف فارسی (فرانکلین) ج اول، ۱۳۸۳). از نظر ابن سینا کودک را باید از دوران جنینی پرورش داد و در این مورد می‌گویند «زنان باردار باید از تنش‌های عصبی و جسمی به شدت بپرهیزند زیرا اثر نامطلوب بر جنین دارد» (ابن سینا، ۱۳۶۰: ۳۶۰). او کودک را موجودی فعال و آزاد می‌داند که باید در تربیت او دقت کافی انجام گیرد و باید استعدادها و توانائی‌های او را شناخت و این امر را از وظایف مربی کودک می‌داند» (ابن سینا، ۱۴۰۰: ۴۴۹).

روش تربیت

ابن سینا برای تربیت دینی کودک سه روش تهدید، ترغیب (تشویق) و مذمت را مورد تأکید قرار می‌دهد. او می‌گوید:

«برای نائل شدن به این مقصود کسب اخلاق نیک و پسندیده و دوری از رذایل مربی باید گاهی تهدید و گاهی ترغیب نماید و هنگامی به ستودن و زمانی به مذمت، وقتی به اقبال و موقعی به اعراض و یک‌بار به متوحش نمودن از کار زشت و بار دیگر به مأنوس نمودن به کردار نیکو، او

را از بدی‌ها گریزان و به کارهای نیکو مایل و عامل بنماید و هر یک از این وسایل را در جای خود بکار برد» (تدبیر منزل: ۴۴).

بررسی آثار ابن‌سینا نشان داد که از نگاه او، تغییرپذیری، تحول و شکل‌گیری شخصیت و تربیت انسان به عواملی نظیر محیط، وارث و مربی وابسته است. بر این اساس، تربیت دینی از منظر سینیوی به معنای فراگیری قرآن و معارف دینی و عمل به فرمان الهی به منظور شناخت خود، خدا، خالق و خلق جهت سعادت دنیوی و اخروی است. به عبارت دیگر، تربیت دینی مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اقداماتی است که از سویی مربی به منظور فراهم آوردن زمینه رشد و شکوفایی استعدادها و برای رساندن به سعادت و کمال صورت می‌پذیرد.

ج- نقاط اشتراک و افتراق سند تحول و سینا در مورد تربیت دینی

بر اساس سند تحول و آثار ابن‌سینا می‌توان وجه افتراق و اشتراک تربیت دینی هر دو دیدگاه را در موارد زیر خلاصه نمود:

تشابهات:

منبع تعیین ارزش‌ها

آن چه در مقایسه‌ی بنیان‌های نظری از دیدگاه ابن‌سینا با سند تحول درباره تربیت دینی برداشت می‌شود، این است که نوعی هماهنگی فکری در بنیان‌های نظری هر دو دیدگاه وجود دارد. در دیدگاه ابن‌سینا، «عقل فعال» سرچشمه همه معلومات و معارف عقلی بشر است. و این عقل فعال بر جبرئیل و فرشته وحی نیز تطبیق داده شده است (ابن‌سینا، ترجمه قوام صفری، ۱۳۷۳). در سند تحول «بنیان‌های معرفت‌شناسی هم بر اساس رویکرد فلسفی (عقل، شهود و مکاشفه) و هم بر اساس آیات قرآنی و برخی روایات اسلامی (وحی و الهام) پایه‌گذاری شده است» (سند تحول: ۸۲-۸۵). در هر دو دیدگاه، منبع تعیین ارزش‌ها در تربیت دینی آموزه‌های دینی و قرآنی است. در هر دو دیدگاه، افراد با توجه به شایستگی‌های فردی می‌توانند به درجاتی از مقولات ارزشی نائل شوند.

هدف تربیت

در هر دو دیدگاه، هدف تربیت رسیدن انسان به قرب الهی بیان شده است. هدف تربیت‌سینوی، تربیت شهروندانی درستکار و دارای سلامت روحی و جسمی و آماده کردن آن‌ها برای انجام برخی کارهای فکری و عملی، رشد همه جانبه فرد، تربیت عقلانی، اخلاقی و بدنی است (الرسائل، ۱۳۹۱؛ النقیب، ۱۳۸۴ و جاویدی کلاته، ۱۳۸۴). هدف‌غایی تربیت از دید ابن سینا قرب الهی است (زیباکلام و حیدری، ۱۳۸۷). بنابراین درنظام تربیت‌سینوی تمام تلاش‌ها برای رسیدن به سعادت یعنی نزدیکی به خداست. از سوی دیگر، نقطه اتکا و کانون توجه سند تحول بر روی مفهوم حیات طیبه بنا نهاده شده است و «ساحت‌های شش‌گانه (تربیت‌دینی و اخلاقی، تربیت‌اجتماعی و سیاسی، تربیت‌اقتصادی و حرفه‌ای تربیت علمی و فن‌آوری، تربیت‌هنری و زیبایی‌شناختی)» جهت رسیدن به حیات‌طیبه به عنوان اهداف‌میانی درنظر گرفته شده است. (سند تحول، ۱۳۹۰: ۱۵۱-۱۶۱). در نتیجه، هدف‌غایی واهداف واسطی تربیت‌دینی بین دیدگاه سینوی و آنچه در سند تحول گفته شده یکسان است و تعارضی در آن‌ها نیست.

اصول تربیت

در هر دو نظام تربیتی بر رعایت قواعد و دستورالعمل‌های تربیت‌دینی تأکید شده است. اصول تربیت‌دینی از منظر سینوی شامل «اصل خودشناسی و تربیت نفس، توجه به تفاوت‌های فردی، شناخت استعدادها و علائق و امکانات، تنظیم برنامه بر اساس مراحل رشد کودک و نوجوان و تقدم آموزش گروهی بر فردی» است (تدبیر منزل: ۳۴؛ ابن سینا، ۵۱۴۰۰: ۴۴۹؛ ابن سینا، ۱۳۶۰: ۳۶۰). در سند تحول اصول تربیت شامل؛ «توجه به نظام معیاراسلامی، اولویت تربیت‌اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تدریجی بودن تربیت و مراتبی بودن آن، عقل‌ورزی، اعتدال، عدالت تربیتی، یکپارچگی و انسجام، تعامل همه جانبه، مشارکت و هماهنگی و...» است (سند تحول: ۱۸۳-۱۹۲). شناخت هر یک از این اصول تربیتی برای مربیان و دیگر دست‌اندرکاران فعالیت‌های تربیتی در تربیت‌دینی ضرورت دارد. همه این اصول بر کل جریان تربیت‌دینی سایه خواهد افکند.

مراحل تربیت

در هر دو نظام تربیتی، «توجه به تعالیم دینی و شرعی، توجه به مراحل رشد شناختی و جنبه‌های روان شناختی، تنظیم سازکارهای تربیتی و ایجاد شرایط رشد‌متریان در همه‌ی مراحل تربیت و ابعاد و انتخاب شغل و حرفه متناسب با استعداد و کسب شایستگی‌ها (صفات، توانمندی و مهارت‌ها)» در تربیت دینی مورد توجه قرار گرفته است (تدبیر منزل: ۴۲-۳۵؛ سند تحول: ۳۵۳-۳۶۵).

ابعاد تربیت

موضوع دیگری که می‌توان در حوزه شباهت دیدگاه‌های مذکور به آن اشاره کرد، این است که در هر دو دیدگاه تربیت امری فردی است، اما در فرد باقی نمی‌ماند؛ بدین معنی که تربیت در صدد ایجاد افرادی با قابلیت‌ها و شایستگی‌های مناسب است؛ اما این افراد در نهایت به عنوان عضوی در اجتماع ظاهر می‌شوند و باید قابلیت‌هایی را که کسب کرده‌اند، در اجتماع به منصفه ظهور برسانند. از نظر ابن‌سینا، «اخلاق هم جنبه‌ی فردی است و هم اجتماعی» (رساله فی‌الاخلاق: ۳۷۰). در سند هم اشاره شده که «حیات طیبه همه ابعاد فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد و در ارتباط و تعامل با همدیگر و با محوریت شأن اعتقادی، عبادی و اخلاقی محقق می‌سازند» (سند تحول: ۱۲۲). در سند تحول، «تربیت دینی بر سایر ابعاد تربیت» سایه افکنده است (سند تحول: ۱۵۴). به عبارتی دیگر سایر ابعاد تربیت زیر چتر تربیت دینی قرار دارند.

توجه به تفاوت‌های فردی

ابن‌سینا معتقد است که «رشد و پیشرفت همه متریان به یک اندازه نیست» (تدبیر منزل: ۱۶). در سند هم بر «موانع و محدودیت‌هایی شناخت آدمی» اشاره شده است (سند تحول: ۸۶). هراسانی به قدر توان و استعداد و میزان تلاش و خلاقیت فکری خود از معارف بهره می‌گیرد. دستیابی به مراتبی از حیات طیبه براساس استعداد و میزان کوشش افراد خواهد بود.

جدول ۱. وجه اشتراک تربیت دینی در سند تحول و دیدگاه ابن سینا

مؤلفه‌ها	سند تحول	ابن سینا
منبع تعیین ارزش‌ها	آیة قرآنی و برخی روایات اسلامی (وحی و الهام)	قرآن و آموزه‌های دینی و عقل فعال
هدف تربیت	رسیدن به حیات طیبه	رسیدن به سعادت
اصول تربیت	اصول شانزده‌گانه تعلیم و تربیت (با تمرکز بر توانمندی‌های انسان با توجه به نظام معیار اسلامی)	اصول پنج‌گانه تعلیم و تربیت (با توجه به تفاوت‌های فردی، شناخت استعدادها و علائق متریبان)
مراحل تربیت	با توجه به نظام معیار اسلامی (قرآن و آموزه‌های دینی) و بر اساس مراحل رشد کودک و نوجوان	با توجه به مراحل رشد شناختی و جنبه‌های روان شناختی و توجه به تعالیم دینی و شرعی
ابعاد تربیت	حیات طیبه همه ابعاد فردی و اجتماعی را دربر می‌گیرد	اخلاق هم جنبه‌ی فردی است و هم اجتماعی
توجه به تفاوت‌های فردی	اذعان به قدرت‌توان و استعداد و میزان تلاش و خلاقیت فکری خود از معارف	اذعان به توانایی‌ها و استعدادهای بالقوه انسان

تمایزات

اعتبار و معیار ارزش‌ها

از نگاه ابن سینا، «قاعده‌ی حد وسط معیاری برای شناسایی فضایل است» (شفاء و الهیات: ۴۲۹). قاعده‌ای که مطابقت رفتار با عقل و شرع را مورد توجه قرار می‌دهد، اما در سند اعتبار و معیار ارزش‌ها هم از طریق «عقل و فطرت انسانی» و هم با مراجعه به «نظام معیار دینی» معلوم می‌شود (سند تحول: ۸۹). چنانچه ارزشی با نظام معیار انطباق نداشته باشد، مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت.

در سند اشاره شده که «ارزشمند دانستن هر عمل، هم تابع حسن فعلی و هم وابسته به حسن فاعلی» می‌باشد (سند تحول: ۹۲). در سند عمل به دستورهای اخلاق و تخلق به فضایل در صورتی

ارزشمند است و سبب تحقق حیات طیبه است که به نیت الهی انجام شود. درحالی که براساس دیدگاه سینیوی، «این رفتار با این نیت که موجب سعادت انسان است و برای سعادت‌مندی انسان کافی است و اخلاص در این میان جایگاه ندارد» (رسائل، ۱۳۹۱: ۲۶۱-۲۶۰).

روش آموزش

ابن سینا به انسان بیشتر از زاویه عقل می‌نگریسته و گوهر انسان را همان عقل او می‌دانسته‌اند. انسان تربیت یافته به عقیده ابن سینا، «انسانی است که عقلش به کمال رسیده است و عقل او بر همه غرایز و همه قوا و نیروهای وجودی غلبه کند. انسانی که در فکر کردن به حد کمال رسیده است» (الشفاء: ۳۶۲-۳۷۱). یعنی جهان و هستی را آن‌چنان که هست دریافت و کشف کرده است. با توجه به رویکردهای تربیت دینی (عادت، عقلانیت و شهود) می‌توان چنین استنباط کرد که ابن سینا، بیشتر به دنبال تربیت انسان عقل‌گرایانه است. در نتیجه می‌توان چنین تفسیر کرد که از نظر ابن سینا روش آموزش دین بیشتر مبتنی بر عقل است و از همان دوره کودکی شیوه صحیح تفکر و اندیشه ورزی باید به کودک آموزش داده شود، تا کودک با درک و فهم صحیح آموزه‌های دینی را انتخاب کند. اما، در سند ترکیبی از «روش‌های گوناگون عقلی و نقلی و شهودی» مورد توجه قرار گرفته است. زیرا گزاره‌های دینی از سنخ‌های مختلف هستند (سند: ۸۶-۷۷).

اراده و اختیار

در مبانی سند تحول، «دستیابی به اهداف امری آگاهانه و اختیاری است که مرتبط با اراده دانش آموز است و قرار است با ایجاد شناخت در مرتبه‌ای به آمادگی برای تحقق مراتب حیات طیبه در وی بیانجامد» (سند تحول، ۱۳۹۰: ۱۵۲). اما، در نگاه ابن سینا، «تعیین سرنوشت انسان بر اساس نوع اعمال و رفتار او در دنیا» بیان شده است (شفا الهیات؛ نفس: ۱۸۱). اهداف تربیت اموری الزامی و بایدی هستند که مربی نقش اساسی در تحقق آن در رفتار و اعمال متریبان دارد. در اندیشه سینیوی، «مربی باید علاوه بر انتقال دانش و معلومات، نیروی فکری متربی را پرورش دهد. در نظام فکری ابن سینا اراده و اختیار انسان به مثابه شرط ورود به استقلال فکری» یاد شده است (رساله فی الاخلاق: ۳۷۳). پس برخلاف سند استقلال فکر و نظر تنها به حیطة شناخت و پیش محدود

نشده، بلکه دامنه به عمل گسترش می‌یابد. در تربیت دینی نباید بر روی اطلاعات، دانش و بینش دینی کار کرد، این امر باعث دین‌دان شدن دانش‌آموزان می‌شود تا دین‌دار. آنچه که مورد تأکید ابن سیناست دین‌دار شدن فرد است تا دین‌دان. هرچند معرفت و شناخت و آگاهی در این حوزه لازم است ولی هدف اصلی دین‌دار بودن است.

ارکان تربیت دینی

در سند تحول ارکان فرآیند تربیت به ترتیب «خانواده، حکومت (دولت)، رسانه و نهادها و سازمان‌های غیردولتی» ذکر شده است (سند تحول: ۱۸۳-۱۷۴). در سند تحول به صراحت بیان شده که «حکومت اسلامی، دولت زمینه‌ی ساز حیات طیبه است، دولت اسلامی زمینه‌ی ساز حرکت عموم مردم در جهت تحقق حیات طیبه است». نکته قابل توجه در نظریات تربیتی ابن سینا این است که وی بیشترین وظیفه تربیت دینی فرد را متوجه «خانواده» و در این میان برعهده «پدر» قرار می‌دهد (تدبیر منزل: ۲۰-۲). این در حالی است که سند نقش دولت را در تربیت دینی پررنگ نشان داده است. هر چند به نقش خانواده اشاره شده است، اما در این میان دولت محوری در تربیت دینی موج می‌زند.

جامعیت اهداف

اهداف در هر دو دیدگاه از جامعیت خاصی برخوردار است؛ اما جامعیت اهداف در مبانی سند تحول از وضوح بیشتری برخوردار است. در دیدگاه سینوی، «تربیت اجتماعی، فردی، عقلانی، اقتصادی و رشد همه جانبه فرد» مورد توجه است (تسع الرسائل: ۷). کسب صفات و ویژگی‌های روانی و شبکه‌ای از حالات به عنوان هدف اساسی تربیت بیان شده و سایر امور در ارتباط با این هدف خاص مطرح گردیده است؛ اما در سند تحول، «آمادگی برای تحقق حیات طیبه به طور خاص و کسب ساحت‌های شش‌گانه تربیت به طور عام»، مبنای اهداف برنامه تربیتی را تشکیل می‌دهد (سند تحول، ۱۳۹۰: ۱۵۳-۱۵۰).

جدول ۲. وجه افتراق تربیت دینی در سند تحول و دیدگاه ابن سینا

مؤلفه‌ها	سند تحول	ابن سینا
اعتبار و معیار ارزش‌ها	از طریق «عقل و فطرت انسانی» و هم با مراجعه به «نظام معیاردینی»	قاعده‌ی حدوسط معیاری برای شناسایی فضایل است
روش آموزش	روش‌های گوناگون عقلی و نقلی و شهودی	روش آموزش دین بیشتر مبتنی بر عقل
اراده و اختیار	تحقق اهداف تربیت امری آگاهانه و اختیاری	تحقق اهداف تربیت امری الزامی و بایندی
ارکان تربیت	دولت محوری	خانواده محوری
جامعیت اهداف	برخورداری از وضوع	اهداف درهم تنیده و شبکه‌ای از حالات

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر اساس آنچه در این نوشتار ذکر شد، تربیت دینی در سند تحول، شباهت‌های زیادی با تربیت دینی مورد نظر ابن سینا دارد. آنچه در مقایسه‌ی هر دو دیدگاه درباره تربیت دینی برداشت می‌شود، این است که نوعی هماهنگی فکری در بنیان‌های نظری وجود دارد. نتایج پژوهش نشان داد که تربیت دینی در سند تحول در معنای عام (نه در معنای خاص) مورد توجه قرار گرفته است. تربیتی که چهارچوب بنیادی و اصولی آن بر اساس دین و آموزه‌های دینی استوار است. این شکل از تربیت دینی در مقابل تربیت سکولار قرار دارد و همه ابعاد تربیت را بر اساس نظام معیار دینی شامل می‌شود. هدف‌گذاری تربیت دینی دست‌یابی فراگیر به مراتبی از حیات طیبه است. ملاک و معیار تربیت یافتگی نیز دست‌یابی فرد به ساحت‌های شش‌گانه است. در سند تحول تبلور روح دینی از طریق مراجعه به منابع دینی (به صورت مستقیم) و رجوع به سایر منابع اطلاعاتی و متون دینی (به صورت غیرمستقیم) است. تربیت دینی و اخلاقی ناظر به رشد جنبه معنوی و ارزش زندگی، برقراری ارتباط با حق متعال، التزام به ارزش‌های دینی و اخلاقی و تقید به اعمال و معیارهای دینی و اخلاقی در زندگی روزمره است.

نتایج دیگر پژوهش نشان داد که واژه تعلیم (آموزش معارف نظری مورد نیاز متربی) و تأدیب (آموزش اعمال و رفتارهای مطلوب مورد نیاز متربی) معادل تربیت در کاربرد معاصر آن است که در سند تحول هم به آن اشاره شده است. تربیت دینی در منظومه فکری ابن سینا به معنای فراگیری قرآن و معارف دینی و عمل به فرمان الهی به منظور شناخت خود، خدا، خالق و خلق جهت سعادت دنیوی و اخروی است. به عبارت دیگر، تربیت دینی مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اقداماتی است که از سویی مربی به منظور فراهم آوردن زمینه رشد و شکوفایی استعدادها و برای رساندن به سعادت و کمال صورت می‌پذیرد.

یافته دیگر این پژوهش حاکی است، هر دو دیدگاه در مورد تربیت دینی دارای نقاط اشتراک هستند. که می‌توان به مواردی زیر اشاره کرد؛ منبع تعیین ارزش‌ها در هر دو دیدگاه آیات قرآنی، روایات اسلامی و آموزه‌های دینی است. همین‌طور، ابن سینا هدف‌گائی تربیت دینی را رسیدن به سعادت در دنیا و آخرت دانسته، و سند هم حیات طیبه را به عنوان هدف‌گائی تربیت دینی می‌داند. تمرکز بر توانمندی‌های انسان با توجه به نظام معیار اسلامی و توجه به تفاوت‌های فردی، شناخت استعدادها و علائق متربیان از اصول تربیت دینی است که در هر دو دیدگاه بر آن تأکید شده است. مراحل تربیت در هر دو دیدگاه، با توجه به نظام معیار اسلامی (قرآن و آموزه‌های دینی) و بر اساس مراحل رشدشناختی متربیان است. در هر دو دیدگاه ابعاد تربیت دربرگیرنده بعد فردی و اجتماعی است. توجه به توانایی‌ها و استعدادها بالقوه انسان و تفاوت‌های فردی از وجه مشترک هر دو دیدگاه است.

اما با وجود چنین اشتراکاتی، تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. اعتبار و معیار ارزش‌ها در سند تحول از طریق «عقل و فطرت انسانی» و هم با مراجعه به «نظام معیار دینی» است اما، در دیدگاه سینوی قاعده‌ی حد وسط معیاری برای شناسایی فضایل و ارزش‌هاست. در سند تحول روش آموزش دین مبتنی بر روش‌های گوناگون عقلی، نقلی و شهودی ولی، در نگاه سینوی روش آموزش دین بیشتر مبتنی بر عقل است. در سند تحول، دستیابی به اهداف امری آگاهانه و اختیاری است که مرتبط با اراده و اختیار متربی است اما، در نگاه سینوی، بر اساس نوع اعمال و رفتار او و جنبه الزامی و بایندی هستند که مربی نقش اساسی در این زمینه دارد. ابن سینا بیشترین وظیفه تربیت دینی فرد را متوجه خانواده (پدر) می‌داند. این در حالی است که سند نقش دولت را در تربیت دینی پررنگ نشان

داده است. در سند تحول، اهداف تربیت دینی از وضوح بیشتری برخوردار است. اما در دیدگاه سنی، دستیابی به اهداف و کسب شایستگی‌ها در هاله‌ای از ابهام است. در تبیین نتایج می‌توان گفت با توجه به نقاط اشتراک و افتراق، به نظر می‌رسد که نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران باید شرایطی فراهم نماید تا فردی که تحت تعلیم و تربیت قرار می‌گیرد بتواند استعدادهای بالقوه خود را شکوفا ساخته و با دارا بودن آزادی و اختیار منطقی، فردی متدین، مؤمن، اندیشه‌ورز تربیت شود. فرد دیندار در مورد جهان، خدا، نبوت، روز قیامت و نظیر این‌ها از طریق روشن‌بینی و تفکر صحیح به اعتقاد خاصی رسیده باشد و این اعتقادات در اندیشه او خلق شود و جنبه درونی داشته و فرد خود را ملزم به انجام تکالیف و واجبات کند. بنابراین در مجموع باید گفت تجربه و آگاهی دینی امری قلبی بوده نمی‌توان آن را بر کسی تحمیل کرد. فضای مدارس باید طوری طراحی شود که فراگیران را به سوی تجربه کردن احساس مذهبی سوق دهند یعنی در طراحی فضای مدرسه الگوی ایرانی-اسلامی مورد توجه قرار گیرد که خود عمل تأثیرگذار در تربیت دینی است. مسئولیت انتقال دانش دینی در مدارس نه تنها بر عهده مربیان امور تربیتی باشد، بلکه تمام مربیان، معلمان و مدیران و عوامل اجرایی در مدرسه باید در این زمینه مشارکت داشته باشند. در تربیت دینی انطباق بین رفتار و عمل عوامل اجرایی از اهمیت خاصی برخوردار است.

با توجه به نتایج بدست آمده در مؤلفه ارکان تربیت دینی پیشنهاد می‌گردد: در سند تحول، به نقش خانواده در تربیت دینی کودکان و نوجوان بیشتر توجه شود؛ در سند تحول نقش دولت محوری در تربیت دینی پررنگ نشان داده است. با توجه به اینکه پدر و مادر نقش مؤثرتری در تربیت فرزندان دارند و تأثیرگذاری آن‌ها در تربیت دینی بیشتر است نیازمند توجه ویژه در این زمینه است.

با توجه به نتایج بدست آمده در مؤلفه منبع تعیین ارزش‌ها و اعتبار آن در تربیت دینی پیشنهاد می‌گردد: با توجه به اینکه در سند تحول، آیات قرآنی و برخی روایات اسلامی (وحی و الهام) به عنوان منبع تعیین ارزش‌ها برای تربیت دینی بوده است. لذا ضروری است در بازنگری سند تحول

آراء و اندیشه‌های سایر فیلسوفان اسلامی از جمله ابن سینا در بخش تدوین اهداف، اصول، روش‌ها، مراحل و عوامل موثر در تربیت دینی مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به نتایج بدست آمده در مؤلفه جامعیت اهداف پیشنهاد می‌گردد: افراط برای یکسان‌سازی فراگیران در سند تحول در قالب گفتمان اسلامی‌سازی و مؤلفه‌های آن، تأکید بر تربیت فراگیران در قالب ساحت‌های شش‌گانه بیش از اندازه تربیت قرنطینه‌ای، صورت‌گرایی، یکسان‌سازی به تربیت انسان‌هایی که به حیات طیبه دست پیدا کنند به سختی امکان‌پذیر است و با چالش اساسی مواجه خواهد شد. و در این راستا نیازمند اقدامات عملی است تا فراگیران قادر به درک معنای عمیق تجربه دینی باشند و دین را نه تنها در ظاهر به‌جا آورند بلکه به صورت عمقی به واجبات عمل کنند.

با توجه به نتایج بدست آمده در مؤلفه غایت پیشنهاد می‌گردد: با عنایت به اینکه نقطه کمال سند تحول بنیادین، دستیابی متریبان به مراتبی از حیات طیبه است که به معنای زندگی در مسیر قرب الی الله است. بنابراین لازم است محتوای سند در تربیت دینی متناسب با نیازهای فراگیران باشد تا به سؤالات و شبهاتی که آن‌ها در حوزه مسائل اعتقادی و دینی دارند پاسخ داده شود و در این زمینه سند تحول نیازمند آسیب‌شناسی بوده تا آسیب‌هایی که نسل نو را مورد تهدید قرار می‌دهد، باید شناسایی شود.

با توجه به این که ابن سینا مربی-فیلسوف مسلمان و مؤثر بوده است و نظام آموزشی ایران نیز یک نظام تربیتی اسلامی است انتظار می‌رود یک انطباق و هم‌پوشانی کافی در تربیت دینی از منظر ابن سینا و سند تحول وجود داشته باشد. به کارگیری آراء تربیتی ابن سینا در نظام تربیتی کشور می‌تواند مکمل و تقویت کننده سند تحول باشد و مسیر ترقی و تعالی جامعه تعلیم و تربیت را فراهم کند. لذا پیشنهاد می‌گردد در بازنگری و اصلاح و ترمیم سند تحول به این امر توجه شود.

References

- ابن سینا، ابوعلی (۱۳۱۹) تدبیر منزل، ترجمه محمد نجمی زنجانی. تهران: انتشارات مجتمع ناشر کتاب. ----- (۱۳۵۰). رساله اضحویه. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- (۱۳۷۹). رساله «السیاسة». تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- (۱۳۶۰). دانشنامه علایی: منطق و فلسفه اولی. تصحیح احمد خراسانی. تهران: کتابخانه فارابی.
- (۱۳۹۰). الإشارات و التنبیها. ترجمه و شرح حسن ملکشاهی، جلد ۱ و ۲. تهران: سروش.
- (۱۴۰۰ ه.ق). رسایل ابن سینا. قم: انتشارات بیدار.
- (۱۳۷۳). برهان شفا، ترجمه مهدی قوام صفری. تهران: فکرروز.
- (۱۳۹۱). مجموعه رسائل شیخ‌الرئیس ابن سینا. تصحیح و ترجمه محمود طاهری. قم: آیت اشراق.
- (بی تا). رساله فی الاخلاق؛ نسخه خطی، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۶۰۱۳.
- (۱۴۰۵ ه.ق). الشفاء (الهیات، المنطق). تصدیر طه حسین پاشا، مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی، قم.
- اسماعیل علی، سعید. (۱۳۸۰). تربیت دینی: مجموعه مقالات تعلیم و تربیت دینی، ترجمه شهاب‌الدین مشایخی‌راد. قم: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه: ۵۵-۹۰.
- اعرافی و همکاران. (۱۳۸۸). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۲ و ۱. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آقازاده، محرم (۱۳۸۳). آموزش و پرورش تطبیقی. تهران: سمت.
- بادکوبه هزاوه، احمد (۱۳۸۳). خلاصه مقالات همایش بین‌المللی ابن‌سینا، گردآورنده: اصغر بیات و عرفان یونسی، همدان.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۴). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: انتشارات مدرسه.
- بهشتی، سعید. (۱۳۸۸). تأملاتی در فلسفه تربیتی دینی از دیدگاه اسلام؛ همایش تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۶۳-۱۸۸.
- بیرونی کاشانی، راضیه؛ باقری، خسرو؛ زیباکلام، فاطمه. (۱۳۹۱). «بین عناصر فلسفه اخلاقی-اجتماعی ابن‌سینا و دلالت‌های آن در تربیت اخلاقی». پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۲: ۷۴-۵۷.
- ترک، رضاعلی. (۱۳۸۶). بررسی اندیشه‌های تربیتی ابن‌سینا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد تهران.
- تقوی‌نسب، سیده‌نجمه و کریمی، محمدحسن (۱۳۹۷) نگاهی تطبیقی به مضامین تعلیم و تربیت آینده‌گرا و مولفه‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، شماره ۱۹: ۸۵ تا ۹۸.

- جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره. (۱۳۸۴). رویکردهای فلاسفه اسلامی به نفس و دلالت‌های تربیتی آن (۱) بن سینا، شیخ اشراق و ملاصدرا، نامه انسان شناسی، س ۴، ش ۷: ۲۷-۷.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۴). فلسفه تعلیم و تربیت. ج ۱، تهران: انتشارات سمت.
- حداد عادل، غلامعلی. (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی تربیت دینی: گفت‌وگو با دکتر حداد عادل. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه، صص ۱۵-۱۰.
- حقی، علی. (۱۳۸۷). انسان‌شناسی فلسفی ابن‌سینا، عرفانی مولانا، علمی داروین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد.
- حلبی، علی‌اصغر. (۱۳۷۳). تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلامی. تهران: انتشارات اساطیر.
- داودی، محمد. (۱۳۸۸). تأملی در معنای تربیت دینی و نسبت آن با مفاهیم نزدیک؛ همایش تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، صص ۴۷-۲۹.
- دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). کلیات مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۸۹). سند تحول راهبردی؛ نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران در افق چشم‌انداز (سند مشهد مقدس).
- راوندی، مرتضی. (۱۳۶۷). سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا. تهران: نشر نگاه.
- رحمان پور، محمد؛ میرشاه جعفری سید ابراهیم (۱۳۹۵). آسیب‌های تربیت دینی و ارائه راهکارهای مناسب از دیدگاه صاحب‌نظران با رویکرد برنامه‌ریزی درسی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و چهارم دوره جدید، ش ۳۲: ۵۲-۳۱.
- رستمی نسب، عباسعلی. (۱۳۸۸). هدف‌گذاری در تربیت دینی با رویکرد اسلامی؛ همایش تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، صص ۴۹-۸۲.
- زیباکلام مفرد، فاطمه. (۱۳۸۴). مکتب فلسفی لیبرالیسم آموزشی و اسلام. انتشارات مجتمع آموزشی و پژوهشی تفرش.
- زیباکلام، فاطمه؛ حیدری، سمیرا. (۱۳۸۷). بررسی دیدگاه ابن‌سینا در باب تعلیم و تربیت. مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران: ۸۹-۱۱۳.
- سجادی، سید مهدی. (۱۳۸۴). تبیین و ارزیابی رویکرد عقلانی به تربیت دینی: (قابلیت‌ها و کاستی‌ها). نوآوری‌های آموزشی، ۴(۱۱): ۵۵-۳۵.
- شریف‌زاده، حکیمه السادات؛ تسلیمیان، ناصر؛ جوادی بورا، محمدعلی (۱۳۹۵). جایگاه زیبایی‌شناسی در تعالی تربیت دینی، نشریه فلسفه تربیت، ۱(۱)، ۵-۳۰.

صادق زاده قمصری، علیرضا و رضانی، معصومه. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی اهداف تربیتی از دیدگاه برزینکا و مبانی سند تحول بنیادین نظام تربیت جمهوری اسلامی ایران، مجله علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۳(۴): ۸۹-۱۱۰.

صادق زاده قمصری، علیرضا. (۱۳۸۰). تربیت اسلامی. نشر تربیت اسلامی. صدیق، عیسی. (۱۳۵۴). تاریخ فرهنگ ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. صمدی، معصومه (۱۴۰۰). تبیین چالش‌های اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش براساس روش فراترکیب. فصلنامه سیاستگذاری عمومی، ۷(۴): ۳۳۰-۳۱۹.

عباسی، حجت‌اله. (۱۴۰۰). بررسی تربیت دینی در دو دهه اول انقلاب اسلامی: با تکیه بر «طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران». پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۲(۱): ۲۶-۷. عطاران، محمد. (۱۳۷۱). آرای مریبان بزرگ مسلمان درباره تربیت کودک. تهران: انتشارات مدرسه. غروی، سید محمد. (۱۳۸۸). قوانین حاکم بر انسان و تربیت دینی؛ تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر؛ گفت‌وگوها. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره): ۸۸-۱۱۶.

فرهینی فراهانی، محسن، حسینایی، فاطمه، و احمدآبادی آرانی، نجمه. (۱۳۹۸). بررسی جایگاه حیات طیبه در سند تحول بنیادین و تبیین راهکارهای تحقق آن در آموزش و پرورش. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۷ (دوره جدید): ۴۲(۴): ۷۹-۱۰۴.

فروغی، محمدمهدی. (۱۳۷۵). سیر حکمت در اروپا، ج ۳. تهران: نشر البرز. قراملکی، فرامرز. (۱۳۸۵). روش شناسی مطالعات دینی. دانشگاه علوم اسلامی رضوی. قربانی هویه، علی. (۱۳۸۶). بررسی مقایسه‌ای اهداف و روش‌های تعلیم و تربیت از دیدگاه ارسطو و ابن‌سینا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد تهران. کاکیا، لیدا. (۱۳۸۶). بررسی تطبیقی دیدگاه‌های فارابی، ابوعلی سینا، غزالی جان لاک، روسو و دیویی در مورد تعلیم و تربیت و ارکان آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی تهران. کرین، هانری. (۱۳۳۷). شکوفایی فلسفه در اسلام. ترجمه عیسی سپهبدی، مجله ادبیات دانشگاه تهران، سال ۶، ش ۱: ۳۷-۲۹.

گلستانی، سیدهاشم؛ واعظی، سیدحسین و سعادت‌مند، زهره (۱۴۰۰). تطبیق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران با اندیشه‌های تربیتی خواجه‌نصیرالدین طوسی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۵۳: ۳۵۹-۳۸۷.

مرزوقی، رحمت، عقیلی، رضا، و مهرورز، محبوبه. (۱۳۹۵). تحلیل و نقد نظری و روش شناختی اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت (مطالعات تربیتی و روان‌شناسی مشهد، ۲۶(پیاپی ۱۲): ۴۰-۲۱.

مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۳). دایره‌المعارف فارسی (جلد ۱). تهران: انتشارات امیرکبیر.

میرزامحمدی، محمدحسن (۱۳۸۷). چند مبحث اساسی در آموزش و پرورش تطبیقی. تهران: نشریسترون نصر، سید حسین (۱۳۹۲) سه حکیم مسلمان، ترجمه احمد آرام. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. نقیب زاده، میر عبدالحسین. (۱۳۸۳). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش. تهران، انتشارات طهوری. النقیب، عبدالرحمن (۱۳۷۹). ابن سینا، ترجمه غلامعلی سرمد، فصلنامه تربیتی یونسکو، تهران: دانشگاه تربیت معلم.

نوذری، محمود (۱۴۰۰). روانشناسی تحول دینداری. انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دانشگاه فرهنگیان.

نیک نشان، شقایق، و پاک سرشت، محمدجعفر، و لیاقت دار، محمدجواد (۱۳۹۵). آسیب شناسی گفتمان تربیت دینی در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران. نشریه فلسفه تربیت، ش ۱۱ (۱): ۱۶۴-۱۴۱.

وحدتی دانشمند، علی، باقری نوع پرست، خسرو، ایروانی، شهین (۱۳۹۸). داستان، هویت دینی و تربیت دینی: تحلیلی بر اساس هرمنوتیک روایی پل ریکور، نشریه فلسفه تربیت، ۴ (۱): ۱۵۹-۱۳۷.

یوسفیان اهری، پونه؛ عظیمی، محمد و رنج دوست، شهرام (۱۳۹۹). تحلیل محتوای اسناد بالادستی بر اساس مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی آموزش فلسفه برای کودکان به روش اجتماع پژوهشی مبتنی بر هوش معنوی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۵۳: ۲۹۹ - ۳۳۳.
